

# پارچه‌بافان خانه «خوشقولی»



جوادرستم زاده یک عکس قدیمی روی دیوار خانه پدري که هنوز رنگ درهاوپنجره‌هاوصفایش را از آسمان مشهد وام دارد، قدیمی‌ترین نشان از تاریخ یک هیئت قدیمی در مشهد است؛ هیئت آذربایجانی‌های مقیم

ارض اقدس که از قدیم‌الایام،شوروسوز عزاداری‌شان زبانزد بوده وورای همه هیئت‌های دیگرشهر که هر سال دسته‌دسته سمت خراسان می‌آیند. هیئت «پارچه‌بافان آذربایجان» را می‌توان از قدیمی‌ترین هیئت‌های شهرستانی دانست که تأسیس آن به حوالی سال‌های ابتدایی قرن

گذشته برمی‌گردد. زنجیر زنان این هیئت اغلب از تیریزی‌هاواسکویی‌های مجاوردر مشهد بوده‌اند که در محله جوادیه و در خانه مرحوم محمدعلی خوشقولی معروف به «مشتی» پارچه بافی می‌کردند. این هیئت محل جدیدآسکان آن در چهارراه خواجه ربیع است، همچنان چراغش

- مثل یک آیین کهن

مثل یک آیین کهن هر سال نزدیک محرم، قاب قدیمی را از روی دیوار برمی‌داشت وبادقت تمام،رویش را بادستمالی که آغشته به گلاب قمصر بود، تمیز می‌کرد. لیلاخانم به عکس قدیمی که نگاه می‌کرد، ناخودآگاه‌اشک‌ازگوشه‌چشم‌هایش سرازیر می‌شدوبانام اباالفضل<sup>(ع)</sup>، آه جانکاهی بر سینه اش سنگینی می‌کرد. آن قاب سال‌ها روی همان دیوار بود وحالاًرد آن بر دیوار، گواه مالکیت ابدی‌اش بر جان وجهان اهالی آن خانه قدیمی است. در عکس‌رنگ ورورفته، پیرومردهاوجوانان و کودکان در سه‌ردیف منظم، سیاه‌پوش وزنجیر به دست نشسته‌اند و به دوربین عتیقه‌ای که احتمالاً نور فلاشش، نگاه‌ها را خیره می‌کرده، چشم‌دوخته‌اند. پشت سر این جمع عزادار، دو کتیبه بزرگ که نشان از آذربایجانی بودن اصالت‌آن‌هاست، خودنمایی می‌کند.

- داستان یک عکس

این احتمالاً تنها عکس باقی مانده از هیئتی است که به‌گفته بزرگان آن، حوالی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۲ خورشیدی در مشهد توسط تبریزی‌ها تأسیس شد و تا امروز، بپرق و علمش به لطف عشق ابدی ترک‌ها به اباالفضل العباس<sup>(ع)</sup> وحسین<sup>(ع)</sup> مظلوم بریاست. لیلاخانم پس از فوت شوهر وبرادرایش‌تانودسالگی‌هم،شبه‌های اول هر ماه، بساط‌روضه‌اش حتی با دو سه نفر برپا بود. می‌گفت: به‌مشتی وبرادرایش قول داده‌ام پرچم این هیئت پایین نیاید و چراغ روضه‌خوانی اباعبدا...<sup>(ع)</sup> در این خانه روشن بماند، او که هیچ وقت فارسی وحتی‌نشانی خیابان‌های مشهدرا خوب یاد نگرفت، سال‌ها قبل از نماز صبح، از ته‌کوچه جوادیه از یک گوشه خیابان به حرم می‌رفت‌واز همان راه برمی‌گشت‌واين عادت عاشقانه‌را تا زنده بود، ترک نکرد.

«عمارت ۸۰متری «خوش‌قولی»

آن روزها ترک‌های تبریز در انتهای کوچه‌ای بن‌بست و تنگ در محله جوادیه واقع در خیابان طبرسی مشهددر عمارتی ۸۰متری که متعلق به محمدعلی خوشقولی (مشتی) بود، دور هم پارچه‌بافی می‌کردند و پذیرای هم‌لایتی‌هایی بودند که به عشق امام‌رضا<sup>(ع)</sup> در مشهد، لباس مجاوری پوشیده بودند. عمارت‌طوری ساخته شده بود که در انتهای یک کوچه قدیمی، سردری بلند داشت و فضای داخلی با دالانی شروع می‌شد که تاحیاطی‌بادرخت‌های بلند وحوضی

گرد و بزرگ در وسط ادامه می‌یافت. جز شاه‌نشین عمارت که با ستون‌های چوبی بزرگ‌وابوانی بزرگ‌باسلمی‌های فیروزه‌ای و سبزر در وسطه ساخته شده بود، بقیه



عکس دسته جمعی هیئت زنجیر زنان آذربایجانی در مشهد، که در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در کوچه خوشقولی در مشهد ثبت شد.

ماوای عاشقان آذری زبان اباعبدا...<sup>(ع)</sup> و مراسم عزاداری شهادت امام‌رضا<sup>(ع)</sup> بی‌بی‌شهربانو و روضه حضرت زینب(س) دختر لیلاخانم تعریف می‌کند: آن‌روزها برای نذورات، هر کس هر چیزی، در توان داشت برای پذیرایی به‌خانه‌ما می‌آورد. در حالی که بی‌بی‌شهربانو در آن حیاط درندشت با لہجه ترکی، روضه حضرت زینب<sup>(س)</sup> می‌خواند، و طیفه پخت و پیز نذری‌هاووشتن‌ظرف‌ها بر هیزدن‌های قایل بود. یکی شیرومال می‌آورد و دیگری شیر وپنیر برای صبحانه. آن‌روزها معمولاً چند رأس گوسفند در آن حیاط ذبح‌وبه آن‌روزتیب خوراک آبگوشت و تاس کباب که غذای سنتی ترک‌هاست، در روزهای عزاداری فراهم و پخته می‌شد.

مہین خوشقولی، دخترمشتی، همان‌طور که از سیاه‌پوش کردن آن حیاط قدیمی با پارچه‌های بافته شده توسط اهالی‌خانه می‌گوید یاد عموداوود می‌افتد، پیرومردی که با آن سن و سال و کمر خمیده به هیچ کس اجازه نمی‌داد چای روضه را دم و توزیع کند و این کار را وظیفه خودش می‌دانست، انگار اصلا برای همین کار آفریده شده‌است. از صبح قبل از طلوع آفتاب و تا آخر شب که زنجیر زنان به سمت حرم می‌رفتند، سماور زغالی اودر حال قل‌زدن بود و او یک نفس مشغول پذیرایی.

شاه‌حسین‌گوینا مقیم مشهد محمدعلی خوشقولی که کار تجارت پارچه را از آذربایجان شوروی سابق تا یوگسلاوی قدیم انجام می‌داد، همراه حاج مهدی و حاج حسین سلطانی، حاج‌علی میلانی وحاجی خالق زاده، ایام محرم وصفر را در آن خانه قدیمی و آن حسینیه از اثران ترک زبان پذیرایی می‌کردند و هیئت زنجیرزنی‌شان به راه بود. ناصر سلطانی، پسر بزرگ حاج مهدی سلطانی که حال‌در همان هیئت که نامش به چهارده معصوم آذربایجانی‌ها، تغییر کرده است حضور دارد، می‌گوید: عموم، حاج حسین سلطانی وحاج‌علی میلانی، از مداحان بنام آذری زبان و در ایام محرم، روضه‌خوان ومیان‌دار هیئت بودند ونوای «بیا اباالفضل<sup>(ع)</sup>، و روضه‌های علی اکبر و حضرت رقیه‌شان حتی فارسی‌زبانان را هم به هیئت‌ما می‌کشاند.

اومی‌گوید: لباس‌های زنجیرزنی هیئت پارچه‌بافان بلندبود و تازیرزانومی‌رسید و قسمت پشتی آن که محل زنجیرزنی بود، با دکمه‌هایی جدا می‌شد. بعد از عاشورا و تا سوعا و نزدیک دهه آخر صفر، تازه میهمانداری اصلی‌ما شروع می‌شد وهمه اقوام وقامیل از آذربایجان برای شرکت در مراسم وفات حضرت محمد<sup>(ص)</sup> وشهادت امام حسن<sup>(ع)</sup> و امام‌رضا<sup>(ع)</sup> به

به عشق امام حسین<sup>(ع)</sup> روشن است و پرچمش به مدد امام‌رضا<sup>(ع)</sup> برافراشته. گزارش پیش‌رو یادی است از ماجرای تأسیس این هیئت وآدم‌هایی که هنوز از ادات وعشقشان به مولای بی‌سر دشت کربلا در چشم‌های بُراق ثبت شده در یک قاب عکس قدیمی زنده است.

# شهر



# تاریخ و هویت

### یادداشت

یادی از ۱۳ مرداد۱۲۸۵ خورشیدی

**صدور فرمان تأسیس مجلس شورای ملی**



مظفرالدین‌شاه در مراسم کشایش اولین جلسه مجلس شورای ملی

حدود ۱۱۶ سال پیش در ۱۳ مرداد۱۲۸۵ خورشیدی (۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ هجری قمری) ملی (اسلامی) را صادر کرد. همین است که برخی تاریخ‌نگاران، این روز را سالگرد فرمان مشروطه دانسته‌اند، زیرا ایجاد مجلس، قدمی به‌منظور محدود شدن سلطنت مطلقه شمرده می‌شد. ناگفته‌نماند در این میان، تعدادی از محققان نیز سالگرد فرمان مشروطه را ۲۷ ذی‌الحجه ۱۳۲۴ هجری قمری یعنی در عصر محمدعلی شاه قاجار و برابر با فرمان او پنداشته‌اند که ظاهراً قول بهتر همان تاریخ ۱۴ جمادی الثانی است.

به‌رحال براساس آنچه در تاریخ آمده است، نارضایتی‌های عمومی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران در عصر قاجار و روزگار مظفرالدین‌شاه ربه‌گسترش نهادده بود تا اینکه لزوم مشروطه، تأسیس عدالتخانه و مجلس بر سر زبان‌ها افتاد و به خواسته اهالی ایران تبدیل شد. آن چنان که آیت‌... سیدمحمد طباطبایی پس از ذکر مفاسد و خطراتی که در ایران وجود داشت، در نامه‌ای به مظفرالدین‌شاه می‌نویسد: «اعلی‌حضرت! تمام این مفاسد را مجلس عدالت، یعنی انجمنی مرکب از تمام اصناف مردم که در آن انجمن به داد‌عامه مردم برسند، شاه و گدادر آن مساوی باشند[ برطرف خواهد ساخت]... سلطنت صحیح بی‌زوال با بودن مجلس است.»

اما این‌نامه‌با پاسخ‌روشنی از شاه همراه نشد؛ زیرشاه بیمار شد و اغلب کارها به دست عین‌الدوله، صدر اعظم مستکبر شاه، افتاده بود که خود از بزرگ‌ترین مخالفان تأسیس مجلس بود. در نتیجه عین‌الدوله بر ممانعت از ایجاد مجلس و فشار بر مردم همت گماشت و آیت‌... طباطبایی در سخنرانی خود گفت: «مردم بیدار شوید. درد خود را بدانید. دوا ی درد را پیدا کنید... ما عدل و عدالتخانه می‌خواهیم. ما اجرای قانون اسلام را می‌خواهیم. ما مجلس می‌خواهیم.»

فشار بر مردم ادامه یافت و علما و جمعی از مردم در تاریخ ۲۴ تیر ۱۲۸۵ خورشیدی به قم مهاجرت کردند. از طرف دیگر دوازده‌پس از هجرت علما به قم در ابتدا یک گروه پنجاه‌نفری از بازرگانان و طلاب در ۲۷ تیر به سفارت انگلستان رفتند و در آنجا بست نشستند.

رفته‌رفته جمعیت بیشتری به آن‌ها ملحق شدند تا جایی که برخی منابع، از حضور جمعیت ۱۲ یا ۱۳ هزار نفری برای کارزار نوشته‌اند، چنان‌که یکی از شاهدان وقایع سفارت می‌گوید: «در حدود ۱۲ هزار تن در باغ سفارت خیمه برافراشتند. در هر نقطه از سفارت چادری برپا شده و هزاران تن از هر طبقه، بازرگانان، عالمان، پیشه‌وران درهم‌فشرده شده‌باشند. روزان وشبان با گردن‌های کشیده‌وبابر دباری گردهم‌نشسته.»

در اینجا بود که خواسته‌های متخصصین از سوی سفارت انگلیس به مظفرالدین‌شاه ابلاغ شد که بند چهارم از آن خواسته‌ها، تأسیس عدالتخانه بود اما عین‌الدوله و اطرفیان وی درصدد برآمدند با دادن پاسخ‌های سرکوب‌گرایانه، مردم را به سکوت فراخوانند ولی دیگر فرصت مقاومت در برابر مردم از میان‌رفته‌بود که این نیز چنندلیل داشت.

نخست اینکه اخبار تلگراف‌های حمایت‌روحانیون تبریز ونجف به تهران رسیده و منتشر شده بود، دوم اینکه بخشی از نیروهای نظامی به مردم متحمن در سفارت پیوسته بودند و در نهایت فعالیت انجمن‌های مخفی و ملیون به‌منظور ترویج اندیشه حکومت مبتنی بر قانون، دلیلی دیگر بود.



این عوامل بر جرئت وقدرت مردم افزود، تا جایی که در مرحله بعد و در بند سوم از خواسته‌های خود، به‌صورت رسمی، افتتاح دارالشوری را بیان کردند. با شدت گرفتن این وضعیت، مظفرالدین‌شاه که اوضاع را آشفته‌دید، در روز ششم مرداد، عین‌الدوله را برکنار کرد و در اقدامی دیگر، در ۱۳ مرداد۱۲۸۵ خورشیدی (۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ هجری قمری) حکم تأسیس مجلس (عدالتخانه یا مشروطه) را صادر کرد.

در بخشی از سخنرانی او در این روز چنین آمده است: «چنان مصمم شدیم که مجلس شورای ملی از منتخبین شاهزادگان قاجاریه و علما و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و اصناف به‌انتخاب طبقات مرفومه در دارالخلافت‌تهران تشکیل و تنظیم شود که در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاقه لازم‌ه را به‌عمل آورده‌به‌هیئت‌وزاری دولت خواه‌ما در اصلاحاتی که برای سعادت وخوشبختی ایران خواهد شد، اعانت و کمک لازم‌را بنماید.» ناگفته‌نماند از آنجا که تاریخ صدور این فرمان مقارن با روز تولد شاه بود، متخصصین سفارت در جشن روز تولد وی شرکت کردند و سردر سفارت، چراغانی و با پرچم‌های سه‌رنگ ایران تزیین شد. ملازمان در ادامه، ماده تاریخ فرمان تأسیس مجلس را که مطابق با عبارت «عدل مظفر» بود، بر سردر ساختمان مجلس شورای ملی (دارالشورای ملی) نصب کردند که به حساب ایجاد، مطابق با ۱۲۸۵ خورشیدی است.

منابع: تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۲، ص ۲۹۷/ حیات یحیی، ج ۲، ص ۲۳/ تاریخ مشروطه ایران، ص ۸۶ و ۹۰/ ایران در دوره سلطنت قاجار، ص: ۴۴۳.

### تاریخ خوان

معرفی یک کتاب تاریخی که شما را با خراسان و مشهد در یک قرن گذشته بیشتر آشنا می‌کند

## قلب تپنده ایران؛ خراسان؛



سارا رنگبان

خراسان از دیرباز قلب تپنده ایران در حوزه‌های فرهنگ و ادب و دین و دانش بوده است. شمار فراوان نامورانی که از این دیار برخاسته و بر قله‌های بلند معرفت‌نشسته‌اند، گواهی بر این ادعاست. در واقع مشهد، امروز نیز خواسته‌ها یا ناخواسته، به‌عنوان مرکز استان خراسان رضوی، نماد همه شکوه دیرینه است. به‌منظور نگهداری از هویت این خطه، مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی مشهد، از زمان آغاز کار در سال ۱۳۸۳ احیای هویت تاریخی و فرهنگی مشهد مقدس را در اولویت قرار داده است. کتاب «مشهد در قرن ۱۴ خورشیدی»، در سال ۱۳۱۳ خورشیدی از سوی تعدادی از فرهیختگان آن روزگار گردآوری و خوشبختانه تا به امروز حفظ شده است. محمدتقی مدرس رضوی، علی اکبر فیاض، سیدعلی مؤید ثابتی، عبدالحمید مولوی و محمود فرخ، مؤلفان این اثر هستند، همچنین این کتاب با همت

مهدی سیدی ویراستاری، تصحیح، به‌روزرسانی و در سال ۱۳۸۶ توسط نشر آهنگ قلم منتشر شده است.

در بخشی از این کتاب که به «گزارش مکتب شاهپور، هم‌معروف است، می‌خوانیم: «در مشرق ایران کنونی سرزمین وسیعی به نام استان نهم (ایالت خراسان) واقع است که مدام وسعت و حدود آن تغییر یافته است. این سرزمین تمدن و مهد ادب ایران باستان، بلکه دنیای اسلام، به‌واسطه موقعیت جغرافیایی که داشته چندین بار مورد تعرض و تهاجم قبایل گوناگون قرار گرفته است، اما باز هم یکی از اماکنی است که هنوز اهمیت نظامی، سیاسی و تجاری جهانی دارد، زیرا راه عمده‌ای از آن می‌گذرد که به معبر خیرممنتهی شده و با وجود آسیب‌هایی که از حمله اقوام مختلف به خراسان وارد شده، سردارانی را در امان خود پرورش داده که در احیای حس ملیت و عظمت ایران نقش مهمی داشته و در مواقعی که قوای قاهره یونان و عرب و مغول و ترک و افغان بر آن استیلا داشته‌اند، وجود امثال ابومسلم و یعقوب